

# اخلاق و فلسفه محیط‌زیست و ضرورت توجه به نقش آن در جهان امروز

- سید محمدرضا علوی مقدم، عضو هیأت‌علمی دانشکده مهندسی عمران و محیط‌زیست، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران، ایران alavi@aut.ac.ir
- اعظم قاسمی، پژوهشگر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران azam\_ghasemi@yahoo.com

## چکیده

زیست‌محیطی مانند مکتب انسان‌مدارانه و خدا‌باورانه پرداخته می‌شود. در این میان لازم است متفکران کشور ما نیز با توجه به پیشینه‌های مذهبی و فرهنگی دیدگاه‌های اخلاقی و فلسفی خود را در خصوص محیط‌زیست ارائه دهند تا پروژه‌های مهندسی و محیط‌زیستی در عرصه عمل به نتیجه بهتری نائل شود. با توجه به ضرورت آشنایی مهندسان با مبانی اخلاقی و فلسفه زیست‌محیطی در دنیای امروز، در ادامه این مقاله به نقش کدهای اخلاقی مهندسی پرداخته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** اخلاق و فلسفه زیست‌محیطی، ارزش‌های اخلاقی، کدهای اخلاقی. معضلات محیط‌زیست

یکی از مسائلی که در سال‌های اخیر مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است این است که علیرغم صرف هزینه‌های کلان برای پروژه‌های عظیم محیط‌زیستی نتایج چندان رضایت‌بخشی حاصل نمی‌شود. این موضوع متفکران را به این فکر رهنمون کرد که حل مسائل محیط‌زیستی جدای از امور فنی نیازمند رویکرد جدیدی شامل رویکردهای جامعه‌شناختی، اخلاقی، فلسفی و ... می‌باشد. اخلاق زیست‌محیطی شاخه جدیدی از مبحث اخلاق فلسفی است و در خصوص روابط اخلاقی بین انسان‌ها و دنیای پیرامون آنها بحث می‌کند. هدف این مقاله، آشنا کردن متخصصان محیط‌زیست با دیدگاه‌های مختلف اخلاق و فلسفه محیط‌زیست در جهان امروز است. ضمن شرح مختصری از مکاتب مختلف اخلاقی به بیان مکاتب اخلاقی



## مقدمه

بعد از رنسانس در اروپای قرن پانزدهم و با اقتدا به این آموزه دکارتی که «عقل بشر برای حل هر مشکلی کافی است، به شرط آنکه روش صحیح به کار بردن عقل را بداند»، همت اروپاییان به این امر معطوف شد که به پیشرفت‌های علمی و فن‌آوری در زمینه‌های مختلف بپردازند، و به حق در این زمینه روز به روز نسبت به گذشته به پیشرفت‌های شگرف نائل آمدند. پیشرفت صنعتی علاوه بر فوائد مثبت و غیرقابل انکار برای بشر، مشکلاتی با خود به همراه آورد که می‌توان به برخی فجایع زیست‌محیطی در زمینه‌های مختلف: آلودگی آب، هوا، مواد زائد جامد و مواد زائد خطرناک اشاره کرد. امروزه، دیگر سخن بر سر پیشرفت صنعتی نیست، بلکه نحوه استفاده صحیح از این تکنولوژی به گونه‌ای که محیط‌زیست و در نتیجه حیات را به خطر نیندازد، مدنظر صاحب‌نظران است. لذا به تعبیری می‌توان گفت مشکلات محیط‌زیستی و حل آن در وهله اول مربوط به کشورهای صنعتی و پیشرفته می‌شود. البته این بدان معنا نیست که کشورهای در حال توسعه ابتدا باید مقلدانه همانند کشورهای توسعه یافته به پیشرفت صنعتی نائل شوند و در مرحله بعد به فکر راه حل برای مشکلات مربوط به آن باشند

بلکه از همین ابتدا باید از تجربیات موجود در کشورهای دیگر بهره ببرند و صنعت خود را با در نظر گرفتن چنین مسائلی به پیش ببرند. چنین رویکردی در راستای توسعه پایدار است.

در بعضی از کشورها پیشرفت صنعتی باعث به وجود آمدن فجایعی زیست‌محیطی در زمینه‌های مختلف: آلودگی آب، هوا، مواد زائد جامد و مواد زائد خطرناک شده است. به عنوان نمونه آلودگی هوا در شهر لندن در سال ۱۹۵۲ باعث کشته شدن ۴۰۰۰ نفر شد. (۱) همچنین در سال‌های اخیر، به خاطر رعایت نشدن مسائل زیست‌محیطی در بسیاری از کشورها، خصوصاً در مورد دفع مواد زائد خطرناک در مناطق نامناسب و در نتیجه نشت آنها در محیط‌زیست، مشکلات عدیده‌ای به بار آمده است. این‌گونه مسائل یا به خاطر فقدان قانون مناسب (خصوصاً در مورد کشورهای در حال توسعه) و یا به سبب عدم رعایت قوانین بوده است. لذا متخصصان به این نتیجه رسیده‌اند که صرف وضع قانون کمک چندانی به حل این مشکلات نمی‌کند و راه صحیح‌تر این است که علاوه بر وضع قانون و نظارت بر حسن انجام آن، نگرش افراد در خصوص محیط‌زیست را اصلاح کرد. به عبارتی تفکر انسان‌ها باید به گونه‌ای پرورش یابد که صرف‌نظر

از مسائل اقتصادی، مؤلفه‌های زیست‌محیطی را هم در نظر بگیرند. این امر مستلزم گسترش آموزش در خصوص اخلاق و فلسفه زیست‌محیطی به عموم مردم است.

در بسیاری از کتاب‌های محیط‌زیست جدید، به ویژه کتاب‌هایی که در رابطه با مدیریت مواد زائد خطرناک نوشته شده است، با عناوینی چون اخلاق و فلسفه زیست‌محیطی برخورد می‌کنیم؛ چرا که مدیریت جامع و صحیح محیط‌زیست علاوه بر داشتن دیدگاه‌های فنی و مهندسی نیاز به توجهات قانونی، اجتماعی، سیاسی و البته اخلاقی دارد. (۲)

بسیاری از تهدیدآمیزترین تغییرات زیست‌محیطی عمده یا سهواً با عاملیت و به دست انسان صورت می‌پذیرد. مواردی مانند تغییر مسیر یا احداث سد بر رودخانه‌ها، بریدن درختان جنگل‌ها برای مقاصد کشاورزی، آلوده شدن هوا، خاک و آب توسط فضولات صنعتی نمونه‌هایی از این تغییرات هستند. آنچه موضوعیت دارد این است که آیا یک تغییر خاص در محیط‌زیست تأثیر زیانباری بر انسان‌ها یا موجودات دیگر می‌گذارد یا خیر؟ آیا انسان می‌تواند برای جلوگیری یا کاهش اثر آن قادر به انجام کاری است یا خیر؟ در این‌گونه مسائل سه گونه سوال مطرح است: آیا تأثیرات مورد بحث واقعاً زیانبارند؟ آیا می‌توانیم چه از طریق کنترل تغییرات و چه از طریق درمان اثرات آن، مؤثر باشیم؟ اگر جواب سوال دوم مثبت است، آیا به لحاظ اخلاقی مکلف به اقدام هستیم؟ (۳). پاسخگویی به این سؤالات ساده نیست و جواب به این سؤالات متناسب با دیدگاه‌های فلسفی افراد متفاوت خواهد بود.

هدف اصلی از ارائه این مقاله آشنا کردن متخصصان محیط‌زیست با دیدگاه‌های مختلف اخلاق و فلسفه محیط‌زیست در جهان امروز می‌باشد که در آن ضمن ارائه شرح مختصری از مکاتب مختلف اخلاقی به بیان مکاتب اخلاقی زیست‌محیطی مانند مکتب انسان‌مدارانه، خداپاوارانه، مسئولانه و مکاتب اصالت‌دهنده به حیات و بوم پرداخته می‌شود.

### تعریف اخلاق و فلسفه زیست محیطی

علم اخلاق یک شاخه از فلسفه است که با «اخلاقیات» و «ارزش‌ها» سر و کار دارد. «اخلاقیات» یعنی تمیز بین حق و باطل و «ارزش‌ها»، ارزیابی نهایی افعال یا امور است. علم اخلاق روابط، قوانین، اصول یا کدهایی را که در رفتارهای معین موردنیاز است یا منع می‌شود را ارزیابی می‌کند. بیشتر اخلاقیون غربی سؤال مشهور سقراط و سایر فیلسوفان یونانی در ۲۵۰۰ سال قبل را در نظر می‌گیرند که: «زندگی خوب چیست؟ اگر ما بخواهیم رفتار اخلاقی داشته باشیم چگونه باید عمل کنیم؟» (۴) و (۵)

اخلاق زیست‌محیطی شاخه نسبتاً جدیدی از مبحث اخلاق فلسفی است و در خصوص روابط اخلاقی بین انسان‌ها و دنیای پیرامون آنها سؤال

می‌کند. یکی از مهم‌ترین پرسش‌های مطروحه در این شاخه از علم این است که آیا ارزش محیط‌زیست طبیعی به خاطر منافی است که برای ما انسان‌ها دارند، یا آن که آنها دست کم از برخی جهات واجد ارزشی هستند متعالی و ذاتی فارغ از منافع ما انسان‌ها؟ پرسش دوم این است که ما در مقام انسان در خصوص ارتباطمان با سایر اجزای طبیعت چگونه باید بیندیشیم؟ (۵)

در این شاخه از علم، سؤالات دیگری از این قبیل پاسخ داده می‌شود: آیا ما وظایف یا مسئولیت‌هایی در برابر انواع دیگر موجودات یا به طور کلی در برابر طبیعت داریم؟ آیا اصول اخلاقی تعیین می‌کنند که ما چگونه از منابع و محیط‌زیست اطرافمان بهره ببریم؟ اگر این‌طور است اساس این اصول چیست و چه فرقی با اصول حاکم بر روابط ما با دیگر انسان‌ها دارد؟ مسئولیت‌های ما نسبت به طبیعت، چگونه با ارزش‌ها و علایق بشری در تضاد می‌افتد؟ آیا این علایق یا ارزش‌ها با سایر علایق انسان در تضاد است؟ (۵)

آلدو لئو پلد برای اولین بار در ۱۹۴۹ شرحی، تحت عنوان «اخلاق زمینی» بر اخلاق محیط‌زیست نوشت. او در این مقاله خاطر نشان کرد که مسائل را نباید فقط براساس ارزش اقتصادی آن بسنجیم، چرا که اهمیت مسائل از دیدگاه زیست‌محیطی کمتر از مسائل اقتصادی نیست. (۲) پس از آن مباحث مربوط به اخلاق و فلسفه زیست‌محیطی به صورت پراکنده ادامه یافت. با توجه به حاد شدن مسائل زیست‌محیطی در امریکا و عدم موفقیت برنامه‌های مختلف این کشور در خصوص کنترل آلاینده‌های منتشره از سوی بسیاری از واحدهای صنعتی در سال ۱۹۷۹ میلادی طرفداران محیط‌زیست از فیلسوفان امریکایی درخواست کردند که در زمینه اخلاق زیست‌محیطی فعالیت جدی خود را آغاز کنند. (۶)

### مکاتب مختلف اخلاقی در جهان

از آنجا که نوع دیدگاهی که در اخلاق زیست‌محیطی وجود دارد مبتنی بر نظریه‌های اخلاقی است، لذا ضروری است ابتدا به بیان مکاتب مختلف اخلاقی پرداخته شود.

**مکتب جهانشمولی اخلاق (یونیورسالیسم):** اولین سؤال که در علم اخلاق مطرح می‌شود این است که «آیا اصول اخلاقی جاودانی وجود دارد که صرف‌نظر از فرهنگ، تاریخ، یا دین، به طور عینی معتبر باشد یا نه». پاسخ دادن به این سؤال بستگی به دیدگاه فلسفی فرد دارد. جهان‌شمول‌گرایان (یونیورسالیست‌ها)، نظیر افلاطون معتقدند که اصول اخلاقی کلی، ازلی و تغییرناپذیرند؛ یعنی صدق و کذب قوانین اخلاقی صرف‌نظر از علایق و موقعیت‌های مختلف اعتبار دارد. بعضی اعتقاد دارند که این اصول

اخلاقی توسط خدا وحی شده است. در حالی که عده‌ای دیگر معتقدند این اصول را از طریق عقل می‌توان تشخیص داد. (۴) و (۵) بر طبق این دیدگاه می‌توان اصول اخلاق زیست‌محیطی معینی را نیز استنباط کرد.

**دیدگاه نسبی‌گرایانه (رلویتیسیم):** نسبی‌گرایان مانند سوفسطائیان، که مخالف افلاطون بودند، ادعا می‌کردند که اصول اخلاقی نسبی هستند و نسبت به شخص، جامعه و موقعیت تفاوت می‌کنند. هرچند ممکن است این اصول درست یا غلط باشند، یا حداقل بهتر و بدتر باشند، ولی هیچ اصل متعالی و مطلق وجود ندارد. نیچه بر آن است که تصور یک دستگاه اخلاقی یکسان و مطلق را باید به دور افکند و به جای آن باید تصور رده‌بندی گونه‌های مختلف اخلاق را گذاشت. در خصوص نسبی‌گرایی، این سؤال را می‌توان مطرح کرد که اگر هر عقیده‌ای اعتباری یکسان دارد، چطور می‌توانیم بهترین آن را انتخاب کنیم؟ در حوزه اخلاق و فلسفه زیست‌محیطی این سؤال‌ات مطرح می‌شود: «آیا طبیعت آن چیزی است که ما درباره آن فکر می‌کنیم؟» «آیا ما طبیعت دست نخورده را می‌توانیم با طبیعت دست دوم ساخت بشر، عوض کنیم؟» «آیا اصول اخلاقی مطلق در ارتباط با طبیعت وجود دارد و یا هر چیزی نسبی و ذهنی است؟». (۳) و (۴) و (۵)

**دیدگاه پوچ‌گرایی (نهیلیسم):** فیلسوفانی نظیر شوپنهاور ادعا می‌کنند که دنیا به طور کلی معنایی ندارد. همه چیز اتفاقی است. هیچ معنا و هدفی در زندگی نیست. بر طبق این عقیده هیچ دلیلی برای اخلاقی عمل کردن نیست. فقط قدرت می‌تواند حق باشد. «بخور یا خورده می‌شوی». چیزی به اسم زندگی خوب وجود ندارد. ما در یک دنیای پر از درد زندگی می‌کنیم. سرچشمه اصلی بدی‌هایی که انسان از آن رنج می‌برد، انسان است. انسان گریه انسان است. شادکامی یعنی رهایی از یک رنج، از یک خواسته و در حقیقت چیزی است منفی، نه مثبت. (۵) و (۷) طبیعی است در چنین دیدگاهی وقتی فضیلت اخلاقی وجود نداشته باشد جایگاهی برای اخلاق زیست‌محیطی نیز باقی نمی‌ماند.

**دیدگاه اصالت سود (یوتیلاریسم):** بر طبق دیدگاه اصالت سود که از فیلسوف انگلیسی جرمی بنتام نشأت گرفته است، عملی درست است که دارای بیشترین سود برای بیشترین تعداد بشر باشد. بنتام خیر را با سعادت و سعادت را با لذت برابر می‌داند. بنابراین زندگی خوب، زندگی با کسب بیشترین لذت است. در دیدگاه او تا آنجا که به اخلاقی بودن آدمیان مربوط می‌شود ما باید بیشترین لذت را برای بیشترین افراد تولید کنیم. اصالت سود توسط جان استوارت میل تعدیل شد. میل معتقد بود لذت عقلانی برتر از

لذت جسمانی است و بالاترین لذت آموزش و عمل بر طبق اصول انسانی است. این آموزه، الهام‌بخش گیفرد و حافظان اولیه منابع طبیعی شد. آنها اینطور استدلال می‌کردند که «هدف از حفظ منابع طبیعی حفظ بیشترین منابع برای رساندن بیشترین خیر به بیشترین تعداد، برای طولانی‌ترین مدت است». (۵) و (۸)

**مدرنیسم و پست‌مدرنیسم:** دیدگاه‌های جهانی مدرنیستی بیشتر مبتنی بر نظریه‌هایی درباره عقل است که در فلسفه قرن هفدهم، رنه دکارت، فرانسیس بیکن و دانشمندانی مانند نیوتون وجود داشت. این فیلسوفان امیدوار بودند که قوانین کلی اخلاق را بتوانند از طریق علم تجربی - که هم اجازه کنترل بر طبیعت و هم فهم خویشتن و دنیای اطرافمان را می‌دهد - به دست بیاورند. آنها معتقد بودند، نتیجه این فلسفه پیشرفت اخلاق، عدالت جهانی و در نهایت خوشبختی تمام انسان‌هاست. فلسفه دکارت بر مبنای اصالت «من»، یعنی فاعل شناسا بنا شده بود. در مدرنیسم عقل توانایی حل هرگونه مشکلی را دارد. اما این عقل در حد عقل ریاضی و یا به تعبیری در حد عقل معاش است. به این معنا که برای تدبیر امور زندگی و دنیایی مفید است.

وقایعی که در قرن بیستم رخ داد، بخصوص جنگ‌های وحشتناک جهانی، که ناشی از آزادی بیش از حد فردی، خودخواهی و خودپرستی و لذت‌طلبی بود، در نهایت باعث نومیدی مردم از مدرنیسم شد. پست‌مدرنیست‌ها ادعا می‌کنند که هیچ فلسفه کلی وجود ندارد. آنها در خصوص تعریف قالبی و سنتی مفاهیمی مانند، «حقیقت»، «واقعیت» و «معنا» شک می‌کنند. مطابق این دیدگاه، واقعیت در بحث و گفتگو آشکار می‌شود. ما هرگز نمی‌توانیم به چیزی به طور صریح پی‌بریم. در اینجا سؤال مطرح می‌شود که آیا این دیدگاه در اخلاق زیست‌محیطی نیز تأثیر دارد؟ طبق دیدگاه پست‌مدرنیست‌ها، طبیعت و یا حداقل درک ما از طبیعت، «قراردادی» است. چرا که اگر از مردم مختلفی بپرسید طبیعت چیست، پاسخ‌های متفاوتی دریافت خواهید کرد. مثلاً طبیعت برای فرد شهرنشین ممکن است یک پارک معنا بدهد و برای یک روستایی مزرعه. در نظر پست‌مدرنیست‌ها هیچ کدام از این تعریف‌ها برتر از تعریف دیگر نیست (۵).

**دیدگاه‌های جهانی در خصوص اخلاق و فلسفه زیست‌محیطی**  
فلاسفه با مسائلی مانند معنای مفاهیمی که مردم در گفتگوهای اخلاقی خود به کار می‌برند نیز سر و کار دارند. به عنوان نمونه اصطلاح «ارزش» می‌تواند به دو نوع ذاتی و ابزاری تقسیم شود. ارزش ذاتی عبارت است از ارزش غیرابزاری یا ارزشی که برای چیزی نه به لحاظ فایده‌مندی آن که به خاطر نفس آن چیز قائل می‌شویم. در ارزش ابزاری شیء، ارزش خود را

فقط به خاطر بهره‌ای که به دیگران می‌دهد می‌گیرد. (جان بن سن، ۱۳۸۲) یکی دیگر از مباحث در این رشته بحث در خصوص حقوق است که شامل حقوق انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و حتی موجودات بی‌جان مانند سنگ و صخره می‌شود. رنه دکارت معتقد بود که فقط انسان‌ها واجد نفس هستند و موجودات دیگر حتی حیوانات، تنها جسم و لذا فاقد هرگونه احساسی هستند. (۹).

نحوه برخورد و دیدگاهی که نسبت به طبیعت و محیط‌زیست وجود دارد، ناشی از نوع تفکر انسان‌ها در خصوص مبانی فلسفی و اخلاقی - که شرح مختصری از آن گذشت - می‌باشد. دیدگاه‌های جهانی در خصوص اخلاق و فلسفه زیست‌محیطی مختصراً به شرح ذیل است:

**دیدگاه مسؤلاًنه:** بسیاری از جوامع بومی (مانند بومیانی که در جنگل زندگی می‌کنند یا اسکیموها) به طور فطری به خاطر نیازی که به طبیعت دارند، در برابر آن احساس مسئولیت می‌کنند. در این نظریه، هم انسان واجد اهمیت است و هم طبیعت اطراف آن. در این دیدگاه، استفاده از طبیعت به کمک ابزار در حد معقول است و نه اینکه طبیعت به تخریب کشیده شود؛ مثلاً اسکیموها در حد نیاز غذایی ماهی شکار می‌کنند و کاری به شکار بی‌جای گونه‌ها ندارند. (۵)

#### **دیدگاه اصالت‌دهنده به حیات (با یوستتریک) و بوم (اکوستتریک):**

در دیدگاه اصالت‌دهنده به حیات (با یوستتریک)، گونه‌های مختلف گیاهی و حیوانی از اصالت ویژه‌ای برخوردار است. چیزی ارزش دارد که بتواند پایداری و زیبایی یک اجتماع زنده را حفظ کند. به عبارت دیگر تنوع زیستی بالاترین ارزش اخلاقی را در محیط‌زیست دارد. انسان نیز به عنوان یکی از گونه‌های موجود در محیط‌زیست در این دیدگاه مطرح است. شاید بتوان مسئله حقوق حیوانات را بخشی از این دیدگاه برشمرد. در دیدگاه اصالت‌دهنده به بوم (اکوستتریک)، به کل اکولوژی اصالت داده می‌شود و تمام فرایندهای موجود در اکولوژی مانند تطابق، جهش و سیکل بیوزئوشیمیایی اهمیت دارد و اکوسیستم به طور کلی محترم شمرده می‌شود. (۵)

**دیدگاه انسانمدارانه:** بسیاری از انسان‌ها در طول تاریخ بشر را به دلایلی همچون دارا بودن هوش و خلاقیت دارای موقعیتی ویژه دانسته‌اند. بر این اساس انسان را دارای حق و ارزش منحصر به فردی می‌دانند. افراط در این نوع تفکر به از بین بردن و تخریب محیط‌زیست می‌انجامد؛ چرا که در این دیدگاه طبیعت ابزاری در دست انسان است که به هر گونه که بخواهد می‌تواند در آن تصرف کند. ریچارد روتلی - فیلسوف و

محیط‌زیست‌شناس استرالیایی - معتقد بود به یک اخلاق زیست‌محیطی نیاز است، چرا که سنت اخلاقی مسلط در جهان غرب بر این باور است که فقط انسان‌ها دارای موقعیت اخلاقی مستقل هستند. از این عقیده به عنوان «انسان مرکزی» یاد می‌شود. روتلی می‌گوید بر طبق فلسفه لیبرال جهان غرب هر کس باید قادر باشد آنچه را که دوست دارد انجام دهد مشروط بر آنکه موجب آزار و زیان دیگران نشود و به خود آسیبی جبران‌ناپذیر وارد نسازد. (۳)، (۵)

**دیدگاه خدا باورانه:** خدا باوران میان دو الگوی سلطه و سرپرستی برای مسئولیت محیط‌زیست فرق می‌گذارند. بنابر الگوی سلطه انسان‌ها شایسته‌تر از دیگر حیوانات‌اند و حقوقی بیشتر از آنها دارند. در افراطی‌ترین تقریر از الگوی سلطه طبیعت فاقد هرگونه ارزش ذاتی است و به لحاظ اخلاقی در حد ذات خود موضوعیت ندارد. تنها موضوعیت آن به لحاظ تأثیر طبیعت بر انسان‌هاست. در بیان معتدل‌تر پاره‌ای خیرات در طبیعت وجود دارد اما به اندازه غایات بشری اهمیت ندارد. الگوی سلطه طبیعت را دارای ارزش ابزاری می‌داند اما الگوی سرپرستی طبیعت را هم دارای ارزش ذاتی و هم ابزاری می‌داند. در نظام اخلاقی مبتنی بر الگوی سرپرستی انسان نباید فقط از محیط‌زیست بهره‌برداری کنند بلکه باید مراقب آن نیز باشند. بنابراین دیدگاه ممکن است هنوز انسان‌ها به نوعی برتر از دیگر موجودات زنده باشند و در عین حال دیگر موجودات زنده به دلیل ارزش و اهمیت ذاتی خود اخلاقاً شایسته حفظ و حمایت تلقی شوند.

مشکل‌ترین بحث‌ها در بین خدا باوران در خصوص جایگاه حیوانات است. بر طبق نظریه فردنگری این فرد است که در نظام‌ها ارزشمند است و ارزش اکوسیستم‌ها به دلیل افراد زنده‌ای است که در آنها قرار دارند. به علاوه برخی از حیوانات (مثلاً پستانداران پیشرفته) به نظر می‌رسد دارای حق حیات هستند و نباید به آنها آسیب رساند. بنابر رویکرد کل‌گرایانه به محیط‌زیست، حیوانات و دیگر خیرات طبیعی مانند صحنه‌های حیات وحش را باید به صورت نظام‌های طبیعی و پیچیده مورد ارزیابی قرار داد. آلدولنو پلد که هم خدا باور است و هم طرفدار محیط‌زیست، از این موضع دفاع می‌کند که یک موجود زنده در صورتی بر حق است که مستعد حفظ انسجام، ثبات و جمال محیط‌زیستی باشد و در صورتی ناحق است که مستعد جز این باشد. این موضع به صورت نشان شاخص به اصطلاح نهضت بوم‌شناختی «ژرفا نگر» همراه با تفسیر آن از کل حیات به عنوان یک اجتماع در آمده است. خدا باوران طرفدار این منظر نظام یافته وسیع گاهی موضع خویش را موضعی حیات محورانه، کل‌نگرانه یا زیست‌محورانه توصیف می‌کنند. این موضع بر این مبنا مورد دفاع قرار گرفته است که می‌تواند تبیینی بهتر درباره تنوع انواع عرضه کند و طرح و تدبیری غنی

و قابل دفاع برای حیات وحش به دست دهد. فردگرایان نمی‌توانند تبیین کنند که چرا ما اغلب وجود انواع متعدد و نه صرف افراد بیشتر را مطلوب می‌دانیم. و فردگرایان ممکن است مجبور به مداخله‌ای کاملاً ستیزه‌جویانه و افراطی در فرایندهای طبیعی شوند. اگر رنج و محنت حیوانات بد است آیا ما وظیفه‌ای برای جلوگیری از شکار حیوانات نداریم؟ ولی عمل به چنین وظیفه‌ای ظاهر مستلزم مداخله کلان در عادات حیوانات است. (۱۰)

خداوند در قرآن کریم از منابع موجود در طبیعت به عنوان احکام و شرع خود نام می‌برد و هرگونه نافرمانی و تعدی به این حریم را مجاز نمی‌شمارد. در آیه ۸ سوره الرحمن می‌فرماید: «الا تطغوا فی المیزان» ای بندگان هرگز در میزان عدل (احکام و شرع من) تعدی و نافرمانی نکنید. پس به این‌گونه برداشت می‌شود که اصل بهره‌وری مناسب در قرآن کریم هم توصیه شده است (۱۱). از دیدگاه دین اسلام، انسان حق ضرر رساندن به محیط‌زیست را ندارد و به نوعی باید حافظ آن باشد. به عنوان مثال در آزار رساندن به حیوانات، شکار بی‌مورد حیوانات، قطع بی‌مورد درختان و اموری از این دست گناه شمرده می‌شود.

### اخلاق مهندسی و کدهای مربوط به آن

یکی از مباحثی که اخیراً مطرح شده است، بحث اخلاق مهندسی است. هر چند در بدو امر چنین به نظر می‌رسد که اخلاق و مهندسی دو حوزه کاملاً مجزا از هم هستند، (یکی به حوزه علوم انسانی تعلق دارد و دیگری به حوزه علوم ریاضی و فنی) اما نمی‌توان منکر اهمیت اخلاق در مهندسی شد. از آنجا که مهندسان در پیشرفت صنعتی هر کشور نقش بسزایی دارند بدیهی است نمی‌توان بدون آموزش‌های لازم - اعم از آموزش‌های اخلاقی در خصوص محیط‌زیست و غیره - به توسعه پایدار دست یافت.

همان‌طور که در قسمت‌های پیشین مشخص شد، پاسخگویی به اینکه چه چیز اخلاقی است یا اخلاقی نمی‌باشد، ساده نیست. در زندگی روزمره هر کس یک مجموعه قواعد شخصی وجود دارد که به آن اعتقاد دارد. به عنوان نمونه اینکه: «به گونه‌ای رفتار کنیم که باعث آزار دیگران نشویم یا دروغ نگوئیم». اما تبعیت از این دو قانون ساده، در زندگی روزمره گاهی امکان‌پذیر نیست. مسائلی چون سود و صرفه اقتصادی باعث می‌شود که افراد این دو اصل اخلاقی را به فراموشی بسپارند (۲). لذا در سال‌های اخیر توجه بسیاری از متخصصان، به کدهای اخلاقی معطوف شده است. به عنوان نمونه می‌توان به کدهای اخلاق مهندسی ارایه شده توسط مؤسسات معتبر مانند انجمن مهندسان عمران آمریکا اشاره نمود. (۱۲)

متخصصان، به کدهای اخلاقی معطوف شده است. به عنوان نمونه می‌توان به کدهای اخلاق مهندسی ارایه شده توسط مؤسسات معتبر مانند انجمن مهندسان عمران آمریکا اشاره نمود. (۱۲)

در بسیاری از علوم مهندسی قوانین رفتاری تعیین شده است. به عنوان مثال به مهندسان نصیحت می‌شود که با عامه مردم، شامل کارگران و مشتریان، صادق باشند و همواره سعی خود را برای بالا بردن رفاه عموم مردم به کار گیرند و به بهداشت، رفاه و ایمنی مردم اهمیت دهند. اگرچه رعایت این قوانین به مهندسان، توصیه می‌شود، اما باید در نظر گرفت، افزایش آگاهی‌های فردی نسبت به مسائل اخلاق زیست‌محیطی نقش والاتری را ایفا می‌کند.

### نتیجه‌گیری

نقش مهم اخلاق و فلسفه زیست‌محیطی در جهان امروز قابل تردید نیست. در کشور ما در نظر نگرفتن مسائل زیربنایی محیط‌زیست مانند اخلاق و فلسفه زیست‌محیطی، باعث ضررهای جبران‌ناپذیری می‌شود. اما مسئله مهم این است که جامعه ما با توجه به اینکه جامعه‌ای در حال توسعه محسوب می‌شود، و از طرف دیگر یک جامعه دینی (معتقد به دین مبین اسلام) قطعاً نمی‌تواند مقلدانه شیوه‌ای که غربیان (و یا شرقی‌ها) در این خصوص به کار برده‌اند و برایشان نتیجه بخش بوده برگیرد. در این میان کارشناسان و متخصصان می‌بایست در فکر راه‌حل‌های ویژه و جامع باشند و از تجارب دیگران به نحو مفید بهره بگیرند.

در بین مکاتبی که ذکر آن رفت، با مکاتبی مواجه می‌شویم که دچار افراط و تفریط شده‌اند. از طرفی مکاتبی معتقد به ارزش ذاتی طبیعت، حتی برای موجودات بی‌جان هستند، و از طرف دیگر مکاتبی انسان را مجاز به هرگونه دخل و تصرف در جهان طبیعت می‌دانند. به نظر می‌رسد دیدگاه متعادل همان دیدگاه قرآنی است که از یک طرف انسان را خلیفه خدا بر روی زمین می‌داند و لذا معتقد است خداوند همه چیز را برای انسان خلق کرده است، (از جانداران گرفته و تا معادن، جنگل‌ها و...) و از طرف دیگر انسان را امانتدار خداوند می‌داند؛ یعنی چیزی که خداوند به انسان عطا کرده، به عنوان امانتی است که مانند هر امانت دیگر می‌بایست به خوبی نگاهداری شود.

به هر تقدیر این مقاله معرفی اخلاق و فلسفه محیط‌زیست و خاطر نشان کردن اهمیت آن به کارشناسان و صاحب‌نظران است تا این در این زمینه به تحقیق و پژوهش کافی بپردازند تا پروژه‌های فنی و مهندسی بر مبنای نظری درستی استوار باشد.

## منابع

- 1) Sincero A. P., Sincero G. A. (1995), Environmental Engineering: A Design Approach, Prentice Hall Publisher,
- 2) Lagrega M. D., Buckingham P. L., J. C. Evans (2000), Hazardous Waste Management, 2nd edition, McGraw-Hill publisher
- ۳) بن سن، جان؛ ۱۳۸۲؛ اخلاق زیست‌محیطی؛ ترجمه محمد مهدی رستمی شاهرودی، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- ۴) کاپلستون، فریدریک؛ ۱۳۶۸؛ تاریخ فلسفه ج ۱؛ ترجمه جلال الدین محتوی؛ انتشارات سروش.
- 5) Cunningham W. P., Cunningham M.A., Saigo, B.W. (2003) Environmental Science, a global concern, 7th edition, McGraw-Hill higher education
- 6) <http://www.cep.unt.edu/novice.html>, Access date: 2006
- ۷) کاپلستون، فریدریک؛ ۱۳۶۷؛ تاریخ فلسفه ج ۷؛ ترجمه داریوش آشوری؛ انتشارات سروش.
- ۸) کاپلستون، فریدریک؛ ۱۳۷۰؛ تاریخ فلسفه ج ۸؛ ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی؛ انتشارات سروش.
- ۹) کاپلستون، فریدریک؛ ۱۳۸۰؛ تاریخ فلسفه ج ۴؛ ترجمه غلامرضا اعوانی؛ انتشارات سروش.
- ۱۰) الیا فرو، چارلز. ۱۳۸۲؛ فلسفه دین در قرن بیستم؛ ترجمه انشاءالله رحمتی؛ دفتر پژوهش و نشر سهرودی.
- ۱۱) سید مهدی امینی‌نسب، ۱۳۷۹، قرآن و محیط زیست، مجله محیط‌زیست، شماره ۳۳، سال ۱۳۷۹، .
- 12) <http://www.asce.org/inside/codeofethics.cfm>, Access date: 2006

---

# Environmental ethics and philosophy and its role in the present world

**Mohammad Reza Alavi Moghaddam**, Associate Professor, Department of Civil and Environmental Engineering, Amirkabir University of technology

**Azam Ghasemi**, Researcher, research center of human sciences and cultural studies, Tehran, Iran.

## Abstract

Nowadays, the management of environmental issues such as hazardous waste is not simply a technical problem, but is confounded by legal, social, political and even ethical considerations. Environmental ethics deals with the moral issues involved in relationships between humans and the world around us. Due to the importance of these issues in our present world, the understanding of main principles of environmental ethics and philosophy has become essential for all specialists who are working in different fields. The environmental issues cannot be solved without the help of all people, specially managers and engineers. The main aim of this paper is to compare different ethical perspectives regarding our environment. In the paper, different ethical perspectives including humanism, biocentrism (life-centered), ecocentrism (eco-centric), and utilitarianism are briefly explained. In addition, the religious view points regarding the environment are briefly discussed. Humanism claims that human society is unique because of our intelligent, foresight and creativity and on the other hand, eco-centrism claims that all

ecological processes and systems have intrinsic values and rights regardless of their usefulness. Furthermore, the importance and role of the codes of Ethics for engineers, which are adopted by several professional associations, are described in the paper.

**Key words:** Environmental ethics and philosophy, ethical values, Codes of ethics, Environmental issues